

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:2021S5D17SH992555 ISSN-P: 2538-3701

سیاست های کیفرشناسی نوین در واکنش به مجرمان خطرناک

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

میثم بهرامی

چکیده

کیفرشناسی نو در نحوه ی برخورد با مجرمان گاه سیاست های جدید که جنبه ی مدیریتی آن ها غالب است طراحی کرده و گاه به سیاست های پیشین رنگ و لعابی مدیریتی داده است. هدف از این اقدامات نیز جلوگیری از رشد روز افزون جرایم و تخصیص هر چه بهتر منابع محدود نظام عدالت کیفری است. اصول و پایه های کیفرشناسی نو بر دستور العملی استوار است که از منطق مدیریتی تبعیت می کند و به جای توجه به جرم و مجرم، خطر جرم را مطمح نظر قرار می دهد و با این منطق مدیریتی اقدام به سیاست گذاری می کند. به راستی چه چیز نظام عدالت کیفری را به اتخاذ چنین رویکردی گزینشی نسبت به مجرمان واداشته است. یافتن مبانی و چرایی ظهور جنبش های سرکوب گر و امنیت مدار با عنوان کیفرشناسی نو به گونه ای که رویکرد غالب دهه های اخیر قرن حاضر شده است. طبیعی است که مهم ترین عاملی که موجب ایجاد احساس ترس و ناامنی در میان اقشار مختلف جامعه می شود، افزایش نرخ جرایم است. این مسئله موجب شد که مشروعیت دولت رفاه و نظام عدالت کیفری برای مبارزه و کنترل جرم با چالش جدی از سوی مردم مواجه شود. نتیجه ی این چالش ها و انتقادات وارده بر نظام درمانی، یکی از موجبات شکل گیری تفکری را فراهم کرد که با چرخشی صد و هشتاد درجه ای و با نگاهی غیر تخصصی و عامه پسند، این بار به تقاضاهای عمومی برای افزایش امنیت توجه نشان داد. در واقع، افکار عمومی در مقابل برهم زندگان نظم و امنیت احساس خطر کرده و در یک واکنش دفاعی خواستار اعمال مجازات های شدید و ثابت در برابر آنان شدند.

واژگان کلیدی: کیفرشناسی نو، عوام گرایی، رفاه گرایی، طبقه ی فرودست، عقلانیت، مجرمان

پرخطر





بخش اول: سیاست های غیرسرکوبگرانه کیفرشناسی نو برای مجرمان کم خطر

همانطور که می دانیم مدل مدیریتی کیفرشناسی نو مقتضی است با مجرمان کم خطر که نرخ وقوع جرم آن ها پایین است به گونه ای برخورد شود که جنبه های نظارتی و مدیریتی کیفرشناسی نو را بهتر به نمایش گذارد. این مدل برای مجرمان کم خطر سیاست هایی تدوین و اجرا می کند که هم هزینه های برخورد با آن ها برای نظام عدالت کیفری پایین باشد و از سوی دیگر، هم سو با افکار عمومی مبنی بر سخت گیری نسبت به جرم و مجرمان باشد. این سیاست ها که با نام مجازات ها یا ضمانت اجراهای بینابینی معروف گشتند، به دلیل این که هزینه ی کم تری بر نظام عدالت کیفری تحمیل می کنند، و به دلیل تنوع زیاد، سیمای مدیریتی و نظارتی کیفرشناسی نو را بهتر می توانند نشان دهند.^۱ هم چنین، وجود جنبه ی مکافات گرایی در این مجازات ها و قابلیت تطبیق آن با شدت جرایم - به گونه ای که در مواردی می توان از دو نوع این مجازات ها همزمان استفاده کرد - به کیفرشناسان اجازه ی تمرکز کردن بر روی آن را نیز می دهد.^۲ این مجازات ها قبل از دهه ۱۹۷۰ جنبه ی اصلاحی و خدمت رسانی داشتند اما در سه دهه ی اخیر به منظور افزایش نظارت و کنترل بر مجرمان به کار گرفته شدند و با انجام چنین کاری انتظار دارد تا فرصت ارتکاب دوباره ی جرم را از مجرمان گرفته و در نهایت مجرمان از ارتکاب جرایم در آینده بازداشته شوند. استفاده از ابزارهای نظارتی مانند نظارت الکترونیک، تست های دوره ای مواد مخدر، و شروط نظارتی مانند ملاقات های مکرر با مقامات اعطاکننده ی این مجازات ها و تاییدیه های استخدامی، دست اندرکاران این مجازات ها را در این مسیر همراهی می کند. مجازات های بینابینی مانند تعلیق و آزادی مشروط، و زندان های شوک آور در مقایسه با ضمانت اجراهای دیگری مانند حبس خانگی، مراکز گزارش روزانه، مجازات های مالی و خدمات عام المنفعه، بیش ترگویای مدیریت و نظارت مورد نظر

^۱ -Tonry - Michael and Lynch Source, " Intermediate Sanctions", Crime and Justice, Vol. 20, Published by: The University of Chicago Press, 1996, p.100

^۲ -Bayen and et. al, " The impact of the new penology on ISP", criminal justice review, vol. 23, no. 1, 1998, P. 53

کیفرشناسی نو، هستند. به همین دلیل، در ادامه از میان مجازات های بینابین، به بررسی این دو مجازات پرداخته و از توضیح بیش تر راجع به سایر مجازات ها خودداری می شود.

الف- زندان های شوک آور

یکی از سیاست های نظارتی و مدیریتی کیفرشناسی نو برای کنترل مستمر بر مجرمان کم خطر استفاده از زندان های شوک آور است. از زمانی که برنامه ی این زندان ها برای اولین بار در ایالات جورجیا و اوکلاهاما در اوایل ۱۹۸۴ م. اجرا شد، استفاده از این نوع مجازات با استقبال گسترده ای از سوی عموم مردم و کیفرشناسان مواجه گردید. فضای حاکم بر این نوع زندان ها، هم با خواسته ی افکار عمومی مبنی بر سخت گیری نظام عدالت کیفری نسبت به مجرمان، و هم با این اعتقاد عمومی که وجود شرایط سخت و نظامی، منجر به منضبط شدن افراد می شود، هماهنگ است.^۱ کیفرشناسان، نیز، از طریق این برنامه، جوانانی را که اصولاً برای اولین بار مرتکب جرایم غیرخشن می شوند^۲ به مدتی که معمولاً از ۹۰ روز الی ۱۸۰ روز^۳ در نوسان است، به این مراکز می فرستند.^۴ شکل و قالب این زندان ها، برگرفته از پادگان های نظامی است؛ به همین دلیل، در زبان محاوره به آن ها اردوگاه های نظامی^۵ نیز گفته می شود. کاهش جمعیت کیفری زندان، نرخ تکرار جرم و صرفه جویی در هزینه ها، به عنوان اهداف اصلی زندان های شوک آور، حکایت از انطباق این نوع زندان با تفکر کیفرشناسان نو



^۱ - Wilson- David. B and Mackenzie- Doris. Layton in "preventing Crime: What Works for Children, Offenders, Victims and Places", chapter 5: " Boot camps, 2006, p.74

^۲ - به طور معمول، گروه سنی ۱۶ تا ۲۵ سال، مشمول مقررات زندان های شوک آور قرار می گیرند. اما، در برخی ایالات مانند کالیفرنیا تا ۴۰ سالگی نیز اجازه داده شده است. در برخی ایالات، زنان نیز به این اردوگاه ها فرستاده می شوند
Mackenzie- Doris. L, and Souryal- Claire, "Multisite Evaluation of shock Incarceration" , U.S. Department of Justice Office of Justice Programs National Institute of Justice, research report, 1994,p. 1

^۳ - وجه تسمیه این زندان ها به زندان های شوک آور، کوتاه بودن مدت آن و در عین حال وجود شرایطی نامنمطف و سخت است که به آن حالتی شوک آور می دهد.

^۴ - Williams- Vergil, "Dictionary of American penology green wood publication group.

^۵ -Boot camps



دارد. به عبارت دیگر، از یک سو، این برنامه ها با فرستادن محکومینی که در حالت عادی به زندان های معمولی فرستاده و در نتیجه به جمعیت کیفری زندان اضافه می‌شد، چاره ای برای حل مشکل افزایش روز افزون جمعیت زندان ها در رابطه با مجرمانی که پرخطر محسوب نمی‌شوند، است؛ و از سوی دیگر، به دلیل استفاده‌ی اندک از تجهیزات امنیتی و کم هزینه بودن ساخت این مراکز، منابع محدود نظام عدالت کیفری را به گونه ای مناسب تخصیص می‌دهد که به صرفه جویی در هزینه ها منتج می‌شود.^۱ الزام به تعلیمات نظامی بدنی سخت و شدید که این مراکز را آکنده از انضباط نظامی ساخته، مدل مدیریتی کیفرشناسی نو را در این برنامه ها متجلی می‌سازد؛ بدین ترتیب که در هنگام ورود به این مراکز، اغلب مراسم آغازین با شکلی نظامی برپا می‌شود که محکومین باید سر خود را بتراشند، لباس فرم نظامی بپوشند و مقامات تادیبی را با عنوان های نظامی مورد خطاب قرار دهند. مقامات تادیبی نیز ملزم به استفاده از لباس فرم هستند. بعد از انجام این مراسم، آن ها هر روز از صبح گاه تا هنگام غروب به انجام فعالیت های متفاوت وادار می‌شوند که نقض آن تکالیف، مجازات های بدنی سختی را که به صورت فوری اجرا می‌شود، در پی خواهد داشت.^۲ مدیریت و نظارت مورد نظر کیفر شناسی نو، گاهی نیز مقتضی انجام برنامه های اصلاحی و درمانی است؛ برنامه هایی از قبیل درمان اعتیاد به مواد مخدر در میان معتادین، کسب آموزش شغلی و تحصیلی، فراگرفتن مهارت افزایش اعتماد و عزت نفس در میان جوانان و...^۳ ترکیب اقدامات نظارتی و درمانی در برنامه های زندان های شوک آور و میزان توجهی که به این برنامه ها داده می‌شود، گاه تا بدان جاست که برخی از ایالات بعد از اتمام مدت زندان های شوک آور، مراقبت و نظارت بعد از خروج را نیز اعمال می‌کنند. برای نمونه، در ایالات لوئیزیانا، زندان شوک آور متشکل از دو

^۱ - Shichor- David, "Penal Policies at the Threshold of the Twenty-First Century", Criminal Justice Review, vol. 25, no. 1, 2000, p. 13

^۲ - Wilson, Op. Cit, p. 74

^۳ - تونری- مایکل، کیفرهای اجتماع محور در ایالات متحده‌ی آمریکا، ترجمه‌ی مینا صدیق فر، مجله‌ی حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷، ص ۲۰۰

بخش است: در بخش اول، فرد برای مدت ۹۰ تا ۱۸۰ روز در پادگان های نظامی به سر می برد و در بخش دوم، بعد از خروج از این پادگان ها، مورد نظارت شدید قرار می گیرد.^۱

ب- تعلیق و آزادی مشروط فشرده

به ثمر نرسیدن اهداف مورد انتظار از مدل درمانی تعلیق و آزادی مشدد در دهه ی ۱۹۷۰ میلادی، موجب شد تا این برنامه ها برای کسب مشروعیت دوباره در فضای حاکم، به بازسازی خود در قالبی نوین پردازند. این قالب نوین، در راستای سیاست های کیفرشناسی نو مبنی بر نظارت و مدیریت، نمود اجرایی پیدا کرد. در واقع، قابلیت اجرای برنامه های مدیریت خطر کیفرشناسی نو به دلیل استفاده از تکنولوژی های نظارتی در این نوع از مجازات ها، راه را برای مورد توجه قرار گرفتن مجدد این برنامه ها هموار ساخت. علاوه بر این، این برنامه ها با زندان زدایی، پاسخی مناسب به مشکل هزینه های کیفری و زندان نیز محسوب می شدند. در این میان، وجود شمایی سزاگر و بازدارنده از این برنامه ها که امنیت عمومی را در مقایسه با تعلیق و آزادی مشروط معمولی بیش تر تامین می کرد، جذابیت بالایی برای سیاستمداران در تامین خواسته های عمومی مبنی بر سخت گیری نسبت به جرم داشت.^۲ بدین ترتیب، تجربه ی بالینی نهاد آزادی مشروط و تعلیق، جای خود را به تعلیق و آزادی مشروط مبتنی بر برقراری نظم در جامعه برای کنترل بیشتر جرم داده است. از این پس، این برنامه ها، اقدامات مدیریتی کم هزینه برای مجرمانی که پرخطر نبودند محسوب می شدند، بدون این که درصدد بازاجتماعی کردن آن ها باشد. نهایتاً جرم از نظر جغرافیایی نیز در سکونت گاه های طبقه ی فرودست توزیع شده و تمرکز یافته است به طوری که نمی توان خانه ای را در این سکونت گاه ها یافت که یکی از



^۱ - Mackenzie - Doris Layton and Shaw James. W, "Inmate adjustment and change during shock incarceration: the impact of correctional boot camp programs", justice quarterly, vol. 7, no. 1, academy of criminal justice sciences, 1990, p.127

^۲ - بنا به گفته ی یکی از محققین، برنامه های تعلیق و آزادی مشروط مشدد، حداقل موجب صرفه جویی در ساخت دو زندان جدید می شود، (Erwin- Billies, "Turning up the heat on probationers in Georgia",

Federal probation, 50(2), 1986, p.24 cited by Petersilia et. al, "Intensive probation and parole, crime and justice", The university of Chicago press, vol.17, 1993 1993, p. 282)

^۳ - Ibid, p. 284



اعضای آن تحت نظارت سیاست‌های نظام عدالت کیفری نباشد.^۱ انواع مختلف باندهای بزهکارانه در این مناطق به وفور یافت می‌شود؛ باندهای مواد مخدر، سرقت، قاچاق و... به شکل‌های مختلف دیده می‌شود. در مجموع، فقر، بیکاری، فروپاشیدگی خانواده، بیماری روانی و ذهنی، سوء مصرف مواد مخدر و هزاران شکل انحراف و جرم، خصوصیت بارز این اقشار را تشکیل می‌دهد. زمانی که از مردم نیز راجع به گروه خطرناک سوال می‌شود، منظورشان گروه‌های کارگری یا اقلیت سیاسی مخالف دولت نیست؛ به جای آن، اشاره به گروه‌هایی دارد که شیوه‌ی زندگی‌شان نشان دهنده‌ی نوعی چالش با ارزش‌های اخلاقی جامعه، قانون‌مندی و نظم می‌باشد؛ این گروه همان طبقه‌ی فرودست هستند.^۲

بخش دوم: سیاست‌های کیفرشناسی نو در واکنش به مجرمان پرخطر و طبقات فرودست

کیفرشناسی نو نسبت به طبقات فرودست و مجرمان پرخطر به گونه‌ای واکنش نشان می‌دهد که بیانگر جنبه‌ی نظارتی، مدیریتی و سخت گیرانه‌ی آن باشد. در قسمت نخست این بخش به سه نوع این واکنش‌ها اشاره می‌شود.

بند اول: سیاست‌های کیفرشناسی نو در برخورد با مجرمان پرخطر

در ذیل به سه نمونه از این سیاست‌ها به طور خلاصه اشاره می‌شود.

الف - قانون کاشف محکومین جنسی^۳

^۱ - این مفهوم یادآور اصطلاح بی‌سازمانی اجتماعی مکتب شیکاگو است که معتقد است جرم از نظر جغرافیایی و اجتماعی در آسیب پذیرترین بخش‌های اجتماع تمرکز می‌یابد. این بخش‌ها توسط طبقات خطرناک اشغال شده است که بیشترین حجم کاری را برای نظام عدالت کیفری به همراه می‌آورد. مدیریت این بخش‌ها به معنی مدیریت جرم و مجرمان خطرناک است. در مکتب شیکاگو مساله‌ی اساسی، ضرورت سامان‌مندی محیط‌های شهری است که این طبقات در آن جا زندگی می‌کنند (بنگرید به والک لیت، ساندرا، "شناخت جرم‌شناسی"، ترجمه‌ی حمیدرضا ملک محمدی، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، صص ۱۸۶-۱۹۸)

^۲ - Ibid, p. 9

^۳ - Sexual Predator statute

کیفرشناسی نو به مجرمان جنسی با دیدگاهی بسیار سخت گیرانه تر نسبت به سایر مجرمان می‌نگرد. یکی از مشهورترین اقدامات انجام شده برای برخورد سخت گیرانه با این مجرمان، تصویب قانون کاشف محکومین جنسی در ایالت کانزاس است. برطبق این قانون، اشخاصی که محکوم یا متهم به ارتکاب جرایم خشن جنسی شده اند، و دچار اختلال شخصیت یا نابسامانی روانی هستند، به دلیل این که هنوز خطرناکی آن‌ها ادامه دارد، در قلمرو این قانون قرار می‌گیرند. از این رو، حبس مدنی این اشخاص تا مدتی نامعلوم به عنوان پاسخی عقلانی تجویز می‌شود.^۱ در این میان، محکومین جرایم جنسی هم که دوران محکومیت خود را به اتمام رسانده اند، نیز در شاخه‌ی گروه‌هایی معرفی می‌شوند که خطرناک تلقی می‌شوند. علی‌رغم پایان یافتن طول دوره‌ی محکومیت این اشخاص، افکار عمومی، آنان را بسان هیولاها می‌بیند و خواهان برخورد شدید با این گروه خطرناک است. پیرو چنین احساس خطری، بسیاری از ایالات، اقدامات متعددی برای تامین آسایش خاطر شهروندان، ترتیب داده‌اند که این گروه را در معرض نظارت قرار می‌دهد؛ اقداماتی نظیر معرفی و لزوم ثبت مشخصات از سوی این اشخاص در اداره‌ی پلیس منطقه‌ای که وارد آن شده اند، یا مطلع کردن همسایگان این اشخاص درباره سوابق محکومیتی آن‌ها.^۲



ب- ایجاد زندان‌های فوق امنیتی^۳ برای مجرمان پرخاطر

بر طبق اصول کیفرشناسی نو، مجرمان پرخاطر موجوداتی اصلاح ناشدنی و رام نشدنی تلقی می‌شوند که در صورت رهایی در جامعه، یقیناً به ارتکاب جرم روی می‌آورند. به همین دلیل باید با اعمال محدودیت فیزیکی که بهترین آن زندان است^۴، از سرگیری دوباره‌ی فعالیت مجرمانه‌ی آنان را برای مدتی طولانی به تاخیر انداخت. کیفرشناسی نو در درون زندان‌ها نیز

^۱ - Rose- William, "Crimes of Color: Risk, Profiling, and the Contemporary Racialization of Social Control", New Research in American Political Development, International Journal of Politics, Culture and Society, Vol. 16, No. 2, 2002, p. 186

^۲ - Ibid

^۳ - Super maximum prison

^۴ - Greenberg- David, Op.Cit, p. 542



نظارت، مدیریت و تامین امنیت مورد نظر خود نسبت به این مجرمان را اجرا می‌کند؛ به این ترتیب که زندان‌ها را براساس سطوح امنیتی مختلف درجه بندی می‌کند و مجرمان پرخطر را در زندان‌هایی با بالاترین سطح امنیتی جای می‌دهد.^۱ به بیان دیگر، این سطوح امنیتی، برحسب میزان خطری که هر مجرم با استفاده از ابزارهای آماری، از خود نشان می‌دهد، تعیین می‌شود و میزان و نوع تسهیلات رفاهی، خدمات آموزشی تحصیلی و شغلی و امکانات درمانی ارائه شده به زندانیان، نیز بر این اساس، متفاوت خواهد بود. معمولی‌ترین نوع سطح بندی امنیتی زندان‌ها، که اکثر ایالات آمریکا، آن را در سیستم زندان‌های خود به کار بسته‌اند، سیستمی است که در آن زندان‌ها به چهار سطح مختلف تقسیم بندی شده‌اند^۲ و یکی از سطوح آن با نام زندان‌های سوپر مکس یا فوق امنیتی برای مجرمان پرخطر ساخته شده است. زندان با سطح امنیتی فوق العاده بالا زندانی امنیت محور است که با جای دادن خطرناک‌ترین زندانیان مانند محکومین

^۱-Sun- key, "Offender Classification and assessment in Book: correctional counseling: a cognitive growth perspective", Jones and Bartlett Publishers, 2007, pp. 26-27

^۲ -Ibid

سه نوع دیگر زندان‌ها عبارتند از:

اول، سطح دارای امنیت پایین، این سطح، نشان دهنده‌ی زندان‌هایی کوچک و مشابه خوابگاه است که در مناطق مختلفی از ایالات، ساخته شده‌اند. این زندان‌ها که به طور متوسط ۳۵ درصد کل زندانیان ایالات متحده را در خود جای داده‌اند، عموماً به عنوان محلی برای نگه داری مجرمین غیرخشن طراحی شده‌اند. شایان ذکر است که محکومین به جرایم جنسی، آدم ربایی و قاتلین عمدی به چنین زندان‌هایی فرستاده نمی‌شوند.

دوم، سطح دارای امنیت متوسط، این سطح از زندان‌ها، موسساتی نسبتاً جدید و در قالبی متوسط هستند که ۳۸ درصد از کل زندانیان ایالات متحده را در خود جای داده‌اند. این زندان‌ها معمولاً در مناطق روستایی ساخته می‌شوند که در آن زندانیان دارای امتیازات بیش‌تری هستند و می‌توانند با دنیای بیرون، ارتباط بهتری برقرارکنند. مشمولین این سطح، عموماً زندانیانی‌اند که احتمال فرار و عضویت در باندهای زندانیان، در آن‌ها وجود ندارد، و از میزان محکومیت آن‌ها پنج سال یا کم‌تر باقی مانده است.

سوم، سطح دارای امنیت بالا، این سطح از زندان‌ها در مقیاسی بزرگ، موسساتی قدیمی هستند که دربردارنده‌ی ۲۵ درصد کل زندانیان ایالات متحده هستند و معمولاً در مناطق روستایی که عموماً دور افتاده‌اند، ساخته می‌شوند. زندانیان محکوم به حبس ابد و حبس طولانی مدت، زندانیانی که احتمال فرار یا عضویت در باندهای زندانیان یا بروز رفتارهای تهاجمی در آن‌ها وجود دارد، عموماً جمعیت این زندان‌ها را تشکیل می‌دهند (Stengel-Casey, "Management and Treatment," Mega Links in Criminal Justice, 2011, p.5).

به جرایم جنسی، آدم ربایی و قاتلین عمدی در درون خود بر مبنای الگوی خطرناکی، برای مدیریت خطر تدارک دیده شده اند. این زندان ها محیط جدیدی از زندان را ارائه کرده اند^۱ که در آن، زندانیان، علی الاصول، به مدت حدود ۲۲ یا ۲۳ ساعت در روز در سلول های انفرادی به سر می برند و تنها مقامات پزشکی، روحانی و قضایی اجازه ارتباط با آن ها را دارند. البته به صورت محدود و در برخی موارد خاص، آن ها اجازه تماشاى تلویزیون به مدت محدودی را داشته و می توانند در محوطه هایی با امنیت فوق العاده بالا، در حدود سه الی هفت ساعت در هفته، به تفریح بپردازند^۲. بنابراین این زندان ها محیطی بسیار امنیتی ایجاد کرده تا بدین طریق بتواند به بهترین شکل خطر مجرمان پرخطر را مدیریت کند.

ج- بازداشت پیشگیرانه

تفوق امنیت جامعه بر آزادی گروه هایی که برچسب پرخطر دریافت کرده اند، ایجاب می کند که کیفرشناسی نو، متهمین پرخطر را شناسایی و تحت لوای بازداشت پیشگیرانه، آنان را تا زمان محاکمه، از جامعه جدا نگه دارد. بنابراین، قرار بازداشت که قبلاً با هدف تضمین حضور متهم در مرحله محاکمه صادر می شد، اکنون با هدف تامین امنیت به کار گرفته می شود.^۳ با تصویب قانون Bail در سال ۱۹۸۴، کیفرشناسی نو، با طراحی سیاست بازداشت پیشگیرانه برای مرحله پیش از محاکمه، قلمرو حاکمیت خود را بر فرایندهای دادرسی سیستم عدالت کیفری ایالات متحده آمریکا نیز گسترانده است. اتخاذ این رویه جدید، راه را برای استفاده از مدل های آماری پیش بینی خطر در مرحله قبل از محاکمه باز می کند. از این پس، حضور یا عدم حضور متهم، که به عنوان مبنایی برای صدور آزادی و بازداشت های پیش از محاکمه تلقی می شد، جای خود را به سنجش میزان خطرناکی با استفاده از ابزارهای آماری، داده است؛ به عبارت دیگر، ملاک صدور این بازداشت ها، ترس از خطری است که افراد خاصی واجد آن



^۱ - Pizarro- Jesenia et al, " Supermax Prisons Myths, Realities, and the Politics of Punishment in American Society", Criminal Justice Policy Review, Volume 17 Number 1, 2006,p. 8

^۲ - طالبی، ابوالقاسم، زندان ها در ایالات متحده، ماه نامه اصلاح و تربیت، سال هفتم، شماره ۷۲، فروردین ۱۳۸۷، ص ۳۷

^۳ - Blomberg et al, Op.Cit, p. 278



هستند و دیگر حضور یا عدم حضور متهم در مرحله‌ی محاکمه ملاک صدور این نوع بازداشت پیش از محاکمه نیست. ترس از خطر، پیش بینی خطرناکی فرد برای بازداشت پیشگیرانه‌ی وی را توجیه می‌کند و دیواری می‌سازد که در پشت آن متهمین پرخطر اصولاً تا زمان صدور حکم در زندان قرار می‌گیرند. در واقع، بازداشت پیش‌گیرانه نوعی اقدامی انتظامی و نه تنبیهی است.^۱ مطابق قانون اصلاح Bail مصوب ۱۹۸۴، شخص در صورتی خطرناک محسوب می‌شود که اوضاع و احوال، به طور معقولی این امر را که وی به امنیت دیگر افراد تعرض می‌کند را نشان دهد. این اوضاع و احوال که نشان دهنده‌ی خطرناک بودن شخص است، در مصادیق ذیل خود را نشان می‌دهد:

- اتهام به ارتکاب جرایم خشونت آمیز^۲؛
- اتهام به ارتکاب جرمی که حداکثر مجازات آن حبس ابد یا اعدام است؛
- اتهام به ارتکاب جرمی با دوره‌ی حبس ۱۰ ساله یا بیشتر؛
- اتهام به ارتکاب هر نوع از انواع جرایم جنایی در صورتی که شخص به دو یا چند جرم خشونت آمیز یا جرایم مواد مخدر فدرال محکوم شده است؛

وجود احتمال شدید فرار، تهدید یا صدمه رساندن به شهود یا اعضای هیئت منصفه یا تلاش برای انجام چنین اعمالی، به تشخیص دادگاه^۳. به دلیل محوریت مسئله‌ی پیشگیری از خطر آینده در بازداشت پیشگیرانه، این تکنیک حتی متهمینی را که دارای جنون یا عدم ثبات روانی

^۱ - Sapir-Yoav, "Against Prevention? A Response to Harcourt's Against Prediction on Actuarial and Clinical Predictions and the Faults of Incapacitation", law and social inquiry, vol. 33, 2008, p.263

^۲ - جرم خشونت آمیز، جرمی است که عنصر تشکیل دهنده‌ی آن، استفاده، شروع به استفاده یا تهدید به استفاده از نیروی فیزیکی علیه شخص یا مال است؛ یا هرگونه جرمی که جنایی بوده و ماهیتاً دربردارنده‌ی خطر اساسی استفاده از نیروی فیزیکی علیه دیگری است (Bail reform act of 1984, Federal Judisial center, 1993, second edition)

^۳ - Bail reform act of 1984, Op. cit, pp. 59-60

هستند نیز شامل می‌شود؛ آنان، تنها به این دلیل، که از نظر افکار عمومی امنیت جامعه را به مخاطره می‌افکنند، برای مدت نامعین، از جامعه دور نگه داشته می‌شوند.^۱

بند دوم: سیاست‌های کیفرشناسی نو در پاسخ گروهی به طبقات فرودست: نیم رخ سازی

کیفرشناسی نو آن دسته از طبقات فرودست را که هنوز دست به ارتکاب جرم نزده اند ولی پیش بینی می‌شود در آینده مرتکب جرم شوند، را نیز مورد نظارت و کنترل مستمر خویش قرار می‌دهد. این نظارت از طریق ایجاد نیم رخ است. بدین ترتیب، به تصویر کشیدن ویژگی‌های بارز طبقات فرودست به عنوان گروه‌های خطرناک ذیل یک عنوان واحد، برای توجیه توقیف، بازجویی و تحقیق از به ظاهر دارندگان این ویژگی‌ها، یکی از اقداماتی است که کیفرشناسی نو به جهت تامین دغدغه‌های اصلی خود، یعنی تامین شدید امنیت افراد جامعه در برابر گروه‌هایی که به زعم کیفرشناسی نو حاوی ویژگی‌های پرخطر بوده و با داشتن این خصوصیات، سطح کیفی امنیت مردم را تنزل می‌بخشند، ایجاد کرده و ترویج داده است. این نیم رخ‌ها که مبتنی بر محاسبه گرایی هستند، از تغییری شگرف در روابط بین حکومت و شهروندان، حکایت می‌کند که به موجب آن، کیفرشناسی نو با نگاهی همه جانبه به پدیده‌های عادی، همه چیز را تحت نظارت و مدیریت خود قرار می‌دهد.^۲ حکومت‌های امنیت مدار از طریق ایجاد و اجرای این نیم رخ‌ها، دوربین‌های امنیتی و نظارتی خود را در اماکن عمومی، فرودگاه‌ها، خیابان‌ها، جاده‌ها و... قرار داده و به دیده بانی می‌پردازد تا بتواند مردم را قانع گرداند که به امنیت شهروندانش توجه کافی دارد. در این جا، تطبیق ویژگی‌های شخصی که مورد ظن قرار گرفته است با نیم رخ مربوطه، نمایانگر ارتباط وی با جرمی است که دارندگان آن نیم رخ انجام می‌دهند. بدین ترتیب، کیفرشناسی نو پیرو دغدغه‌های امنیتی خود دست به طراحی سیاست‌هایی زده است که پاسخی گروهی برای کنترل گروه‌هایی به شمار می‌رود که



^۱ - بر همین اساس، در دعوی Addington v Texas، حکم به بازداشت متهم خطرناک معجون، صادر شد (available at www.West's Encyclopedia of America.common Law)

^۲ - Rose, Op.Cit, p. 183 - 185



نسبت به آن‌ها این ظن و گمان وجود دارد که عدم نظارت و عدم کنترل آن‌ها خطرآفرین است. به عبارت دیگر، به زعم کیفرشناسی نو، ایجاد این نیم رخ‌ها می‌تواند به گروه‌های خاصی از بزه‌کاران بالقوه بیاموزد که قصد خود بر ارتکاب جرم را هیچ‌گاه عملی ن سازند و بدین ترتیب، جنبه‌ی بازدارندگی کیفرشناسی نو به خوبی به نمایش گذاشته می‌شود. به وجود آمدن احساس خطر در جامعه‌ی آمریکا ناشی از احساس فقدان امنیت، در شکل‌گیری این نیم رخ‌ها، نقشی اساسی ایفا کرده است. برای نمونه، نیم رخ تروریستی^۱، در پاسخ به حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، ایجاد و پس از این واقعه از آن، برای شناسایی کسانی که به گروه‌های تروریستی تعلق دارند، استفاده شده است.^۲ استفاده از نیم رخ هواپیماربایان^۳، از اوایل دهه ۱۹۶۰، برای شناسایی کسانی که اقدام به ربودن هواپیما می‌کنند، نیز، مهر تاییدی بر وجود گرایش‌های خطرمحور و امنیت‌محور در نظام عدالت کیفری برای کنترل طبقات خطرآفرین است.^۴ در این جا به برخی از مهم‌ترین این نیم رخ‌ها به اختصار اشاره می‌نماییم:

الف - نیم رخ حاملین مواد مخدر

نیم رخ حاملین مواد مخدر، یکی از نیم رخ‌های تحت نفوذ کیفرشناسی نو، محسوب می‌شود که با اعلام "جنگ علیه مواد مخدر"^۵، منزلت بالایی را در سیاست کیفری ایالات متحده‌ی آمریکا، به عنوان یکی از تکنیک‌های نظارتی کشف و شناسایی جرایم مربوط به مواد مخدر، بدست آورده است.^۶ توضیح این که از سال ۱۹۸۰ میلادی به بعد، با سیاسی شدن واکنش‌ها نسبت به استفاده از مواد مخدر، از زمان ریاست جمهوری ریگان تا ریاست جمهوری جرج دبلیو بوش، استفاده از مواد مخدر به نشانه‌ای از کاهش عمیق حس امنیت در

^۱ - Terrorist profile

^۲ - Feeley and Simon, 1995, Op. Cit, p. 98

^۳ - Hijacker profile

^۴ - Gross - Ariela, "History, Race, and Prediction: Comments on Harcourt's against Prediction", law and social inquiry, 2008, p. 237

^۵ - War on drug

^۶ - Ambrosio- Joseph. p, "The drug courier profile and airport stops: reasonable intrusions or suspicion less seizures", Nova law review, vol. 12, 1987-1988, p. 273



جامعه آمریکا تبدیل گردید تا جایی که اعلام جنگ با مواد مخدر سراسر ایالات متحده آمریکا را فراگرفت. یکی از دلایلی که موجب شد چنین نگاهی در مورد مواد مخدر شکل گیرد، تعداد زیاد استفاده کنندگان از مواد مخدر در میان افراد دستگیر شده توسط پلیس و نهادهای عدالت کیفری بود. همین امر موجب شد که برای استفاده کنندگان از مواد مخدر که با تست های مواد مخدر^۱ تعیین می شدند، مجازات های فوق العاده شدید در نظر گرفته شود تا بدین ترتیب، با اتکای گسترده بر تست مواد مخدر، تعداد بیشتری از استفاده کنندگان مواد مخدر را شناسایی کرده و بدین ترتیب، امنیت عمومی حفظ شود. این دید امنیتی به خاطر این مساله است که متخصصان در شاخص^۲ های خطرناکی، استفاده کنندگان از مواد مخدر را عضو جمعیت های با خطر بالا به شمار می آورند. مردم نیز از سال ۱۹۷۰ مواد مخدر را یک وسیله ی سنجش خطر می دانند و به جای اینکه خواهان درمان و یا مجازات استفاده کنندگان از مواد مخدر باشند نیاز به مدیریت این مجرمان دارای خطر بالا و تسامح صفر در برابر آنان را بیشتر احساس می کنند. بنابراین، به دلیل این که تعداد کثیری از کسانی که به اتهام ارتکاب جرم مورد تعقیب و بازداشت مقامات قرار می گرفتند، استفاده کنندگان از مواد مخدر بودند، و بدین ترتیب این گروه ها، جزو اقلیتی بودند که اکثریت جرایم را مرتکب می شدند، نیاز به طراحی سیاستی بود که با توجه خاص نشان دادن به این موضوع، در برابر کسانی که احتمال می رفت مرتکب جرم مربوط به مواد مخدر شوند، واکنش نشان دهد. بنابراین، در کنار این سیاست سخت گیرانه نسبت به استفاده کنندگان از مواد مخدر، کیفرشناسی نو سیاستی دیگر در خصوص کسانی که گمان می رود حامل مواد مخدر باشند در نظر گرفته است. این سیاست نظارتی، عموماً توسط پلیس در اماکن عمومی مخصوصاً فرودگاه ها، برای شناسایی و نهایتاً دستگیری افرادی که حامل مواد مخدر هستند، مورد استفاده قرار می گیرد. مواردی از قبیل:

- مسافرت به، یا، مسافرت از مراکز مهم تولید، توزیع و پخش مواد مخدر، مخصوصاً برای مدتی کوتاه؛

^۱ - Drug testing

^۲ - Indicator



- استفاده از نام مستعار برای تهیه ی بلیط و مسافرت با استفاده از نام مستعار؛
- وضعیت روانی و ظاهری فرد هنگام مسافرت مانند: عصبی یا آرام بودن، نگاه های متعدد و پراضطراب به اطراف، عدم استفاده از چمدان یا استفاده از کیف کوچک یا کیف خالی، در مسافرت هایی که معمولاً نیاز به استفاده از لوازم بیش‌تری است، مسافرت به تنهایی یا به همراه خانواده و آشنایان، داشتن موبایل کوتاه یا بلند، استفاده ی مکرر از تلفن همراه و...

ب- نیم رخ مهاجرتی

مفهوم دیگری که به خصوص پس از وقوع بحران های اقتصادی شدید در ایالات متحده، توجه نظام عدالت کیفری را به خود جلب کرده است، مهاجرتی است که عموماً برای کار به این کشور نقل مکان کرده اند.^۱ در کیفرشناسی نو، شهروندان غیر آمریکایی به عنوان گروه های خطرناک، شناخته شده اند که می‌بایست مورد نظارت قرار گیرند. تصویب قوانینی مانند "قانون جنایات مشدد"^۲، در قانون اخیر مربوط به مهاجرت، یکی از نمونه‌های بارز در پیش گرفتن سیاست امنیتی در رابطه با این گروه است.^۳ این قوانین جدید بازداشت اجباری مهاجران قانونی به موجب اصول جدید کیفر شناختی را توجیه می کند که در شکل و محتوا به صورت کاملاً آماری، توجیه و اعمال این قوانین را مبتنی بر گزینش خطر و اخراج آن ها بدون پای بندی به هر نوع فرایندهای قانونی و رسمی اخراج، می کند. این قوانین با کیفرشناسی های ماقبل مدرنیته، در ترس و تنفر نسبت به خارجی ها هم سو است.^۴ مسأله ی کنترل مهاجران موجب شده است که رویه هایی متفاوتی در نظام عدالت کیفری شکل گیرد. بسیاری این خصوصیت بی سابقه را به عنوان "جرم انگاری قانون مهاجرت"^۵ توصیف کرده اند. این رویه ها موجب وارد شدن یک سری اصلاحات تند و خشن برای حفظ نظم عمومی از طریق اجرای این قانون

^۱ - کاشفی، پیشین، ص ۲۷۲

^۲ - Aggravated felony provisions

^۳ - Feeley and Simon, 1995, Op. Cit, p.99

^۴ - Ibid

^۵ - Criminalization of immigration law



در برخورد با شهروندان غیرامریکایی، شده است. افزایش تعقیب تخلفات مربوط به مهاجرت به مانند جرایم فدرال از اواسط ۱۹۸۰ میلادی، بخوبی و روشنی تنبیهی و امنیتی شدن سیاست های عدالت کیفری را در این خصوص به نمایش می گذارد. همچنین حادثه ی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ موجب شد دستور جلسه ای فوری برای کنترل جرم در چارچوب قانون مهاجرت ایجاد شود. این نیم رخ همانند نیم رخ نژادی با ایرادات حقوق بشری مواجه شده است و دلایل زمینه ساز این چنین اتکای سنگینی بر تنبیهی شدن رویه ها در چارچوب اصلاحات قانون مهاجرت ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ به سختی پذیرفتنی و بدیهی است.^۱

ج- نیم رخ نژادی

نیم رخ نژادی، عبارت است از «استفاده ی صریح یا ضمنی از نژاد در تصمیماتی که از سوی مقامات اجرای قانون برای توقیف و بازجویی اشخاص گرفته می شود».^۲ استفاده از این نیم رخ بدین معناست که افسران پلیس بتوانند توقیف، بازجویی و تحقیق از شهروندان آفریقایی آمریکایی و اسپانیولی ها به دلیل نژاد آن ها یا قومیت آن ها را توجیه کنند. حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، موجب شده است که در حال حاضر احتمال بیشتری وجود داشته باشد که از این نیم رخ به عنوان ابزار نظارت های امنیتی نسبت به مسلمانان کشورهای خاورمیانه به منظور دستگیری تروریست ها استفاده شود. در حالی که در یک نظرسنجی ملی که در سال ۱۹۹۹ انجام شد، ۸۱ درصد پاسخ دهندگان اظهار داشتند که آن ها با تصویب این نیم رخ که روشی برای توقیف گروه های نژادی است که افسران پلیس اعتقاد دارند احتمال بیشتری برای ارتکاب جرایم خاص از سوی این گروه ها وجود دارد، مخالفند؛ دو سال بعد در ۲۰۰۱، ۵۸ درصد مردم بیان کردند که اعراب باید ملزم شوند که نظارت های امنیتی شدید و خاصی را قبل از این که هواپیماهایشان بر فراز ایالات متحده به پرواز درآید، تحمل کنند. در نیم رخ

^۱ - Miller- Teresa, Citizenship and severity: recent immigration reforms and the new penology, Georgetown immigration law Journal, 2003, p. 3

^۲ - Harcourt- Bernard. E, "The Shaping of Chance: Actuarial Models and Criminal Profiling at the Turn of the Twenty-First Century", The University of Chicago Law Review, Vol. 70, No. 1, 2003, p. 118



نژادی، از نژاد زمانی استفاده می‌شود که که از آن صریحاً بعنوان یک معیار در میان سایر معاییر برای ظنین شدن به برخی افراد گروه‌های خاص یاد می‌شود. برای مثال، وقتی که یک افسر پلیس فردی را توقیف می‌کند به دلیل این که آن پلیس اعتقاد دارد که احتمال بیشتری وجود دارد که اعضای نژاد آن شخص، درگیر اعمال مجرمانه‌ی مورد بررسی شوند. مبنای این اعتقاد پلیس، نرخ‌های بی‌تناسب جرایم ارتکاب یافته، نسبت به جرایم اعضای خاصی از گروه‌های اقلیتی است. این نیم رخ، به دلیل نقض شدید حقوق بشر، به شدت مورد چالش قرار گرفته است و مخالفان زیادی پیدا کرد. مخالفان اعلام داشتند که این یک جرم نانوشته است که "رانندگی کردن در حالی که راننده سیاه پوست است"، را دلیلی بر توجیه توقیف و دستگیری بدانیم. به همین دلیل، نیم رخ نژادی در سال ۱۹۹۰ متروک گشت و در نظر سنجی‌های بعدی هم چنان مردم آن را مخالف حقوق بشر می‌دانستند. بدین ترتیب، کیفرشناسی نو با ایجاد این چنین نیم‌رخ‌هایی خصیصه‌ی عوام گرانه‌ی خود را نشان می‌دهد و در برابر کسانی که به زعم خود جزو طبقات فرودست اجتماع اند و آزاد گذاردن آن‌ها، امنیت اجتماع را به خطر می‌افکنند، واکنش نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده گردید این طبقات فرودست، عمدتاً از دسته‌ی مهاجران، گروه‌های نژادی و کسانی هستند که از امکانات اجتماعی محروم هستند.

نتیجه‌گیری

تدوین سیاست کیفری با پشتوانه‌ی سرکوب طبقات فرودست اجتماع تحت عنوان گروه‌های پرخطر، موجب غفلت از عوامل کلان جرم‌زا نیز می‌شود. به عبارت دیگر، کیفرشناسی نو با برخورد سهل‌گیرانه نسبت به یقه سفیدان و توجه نشان ندادن به جرایم آنان، به آنان این فرصت را اعطا کرده است که بدون وجود احساس نظارت و با راحتی هر چه تمام‌تر هر آن‌چه که می‌خواهند انجام دهند و در نهایت مرتکب جرایمی شوند که آثار آن در دراز مدت بسیار مخرب‌تر از جرایم خیابانی خواهد بود. هم‌چنین، مبارزه با کلیه‌ی مصادیق بی‌نظمی در جامعه و انجام اقدامات غیر تسامحی در رابطه با آن موجب گسترش شبکه‌ی کنترل دولتی و نفوذ آن در همه جا شده است که در نهایت با مخالفت مردم روبرو خواهد شد؛ چرا که آنان دوست

ندارند در معرض کنترل همیشگی دولت باشند؛ بلکه می‌خواهند در جامعه آزادانه زندگی کنند و چنین سیاستی خلاف خواسته‌ی مردم است. خلاصه آن که اندیشمندان مکتب اصلاح و درمان با تبدیل مجازات به پنهان‌ترین بخش نظام عدالت کیفری هدف اصلی فرایندهای کیفری را بازپروری مجرم می‌دانستند. این در حالی است که متفکرین کیفرشناسی نو با غفلت عامدانه از مجرم و اتخاذ سیاست‌های ناتوان‌کننده در قبال او، هدف اصلی نظام عدالت کیفری را تامین و برقراری امنیت در جامعه اعلام کرده اند. این توجه بیش از اندازه به مجرم در کیفرشناسی درمان گرا، و بی توجهی بیش از اندازه به او در کیفر شناسی نو، نقطه‌ی آسیب پذیری است که این جنبش‌های کیفری را تاکنون در رسیدن به اهداف مورد نظر خود، ناکام گذاشته است. این عوامل می‌تواند تا بازنگری دقیقی در سیاست‌های کنونی نظام عدالت کیفری صورت گیرد تا در نهایت بتوان با تدوین یک سیاست کیفری فایده مند، با مبانی فکری واقع بینانه و نیز ارائه‌ی تبیین‌های آسیب شناسانه نسبت به دلیل شکست این تئوری‌ها برای حل این بحران کیفری چاره‌ای مناسب اندیشید. بدیهی است تحلیل این نظریات از سوی محققان و پی بردن به دلایل شکست و یا موفقیت آن‌ها می‌تواند به روشنی راه کار اشتباه را از راه حل صحیح منفک کند و اقدامی که دیگران خود به شکست خویش اعتراف نموده اند را تکرار ننمود.



منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. پاک نهاد، امیر، "سیاست جنایی ریسک مدار"، انتشارات میزان، چاپ اول، ۱۳۸۸
۲. تونری، مایکل، کیفرهای اجتماع محور در ایالات متحده ی آمریکا، ترجمه ی مینا صدیق فر، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ۶۴، پاییز ۱۳۸۷
۳. جلالی ورنامخواستی، مصطفی، "ارزیابی خطر جرم در نظام عدالت کیفری"، فصلنامه حقوقی گواه، شماره ۱۱، زمستان ۱۳۸۶
۴. رسن، جفری، "نگاهی به سیاست تسامح صفر"، ترجمه ی جلال الدین قیاسی، مجله فقه و حقوق، سال اول، بهار ۱۳۸۴
۵. روحی، زهره، "بازبینی تجربه های نئولیبرالیسم: ریشه ها و پیامدها"، (تخلیص بر)، "تاریخ مختصر نئولیبرالیسم" نوشته ی دیوید هاروی، ترجمه ی محمود عبدالله زاده، مجله ی جهان کتاب، سال دوازدهم، شماره ۹، ۱۳۸۶
۶. غلامی، حسین، "سیاست کیفری سلب توان بزه کاری"، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸
۷. فرجی ها، محمد، "بازتاب رسانه ای جرم"، فصل نامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۲، ۱۳۸۶
۸. کاشفی اسماعیل زاده، حسن، "جنبش های بازگشت به کیفر در سیاست جنایی کشورهای غربی - علل و جلوه ها"، مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی، الهیات و حقوق، سال سوم، شماره ۱۵ و ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴
۹. ماری، فیلیپ، "کیفر و مدیریت خطرها: به سوی عدالتی محاسبه گر در اروپا"، ترجمه ی حسن کاشفی اسماعیل زاده، مجله ی حقوقی دادگستری، پاییز و زمستان ۱۳۸۳



۱۰. محمودی، فیروز، "مبانی، اصول و شیوه های جرم انگاری"، رساله برای دریافت درجه ی دکتری در رشته ی حقوق جزا و جرم شناسی، دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی تهران، به راهنمایی دکتر محمد آشوری، مهر ۱۳۸۲

۱۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، "درآمدی بر کیفرشناسی نو؛ جرم شناسی نو"، تازه های علوم جنایی (مجموعه مقالات)، انتشارات میزان، ویرایش اول، چاپ اول، ۱۳۸۸

۲۲. ولد، جرج، برنارد، توماس، اسنیپس، جفری "جرم شناسی نظری، (گذری بر نظریه های جرم شناسی"، ترجمه ی علی شجاعی، انتشارت سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۷

ب) منابع انگلیسی

1. Allen- Francis, "The decline of the Rehabilitative ideal in American criminal justice", Cleveland State Law Review, Vol 27:147, 1978
2. Ambrosio- Joseph, "The drug courier profiles and Airport stops: reasonable intrusions or suspicion less seizures", Nova law review, vol. 12, 1987-1988
3. Auerhahn- Kathleen, "Selective incapacitation and the problem of prediction", criminology, vol.37, 1999
4. Austin- James and Clark- John, Hardyman- Patricia Ph.D. , Henry D. lan, "Three Strikes and You're Out: The Implementation and Impact of Strike Laws", 2000
5. Bail reform act of 1984, Federal Judisial center, second edition, 1993
6. Bauman- Zygmunt. "Postmodernity and its discontents", New York: New York University Press. 1997
7. Bayens- Gerald. J, Manske- Michael.W, and Smykla- John.O, " The impact of the new penology on ISP", criminal justice review



